

**تأثیر اقلیت یهود بر
سیاست دولت عثمانی در قبال
فلسطین**

تألیف: دکتر احمد نوری النعیمی

ترجمه: علی حسن زاده

باب اوّل

احوال عمومی یهودیان در جهان و دولت عثمانی

— وضعیت عمومی یهودیان در جهان و دولت عثمانی

فصل اول: هجرت یهودیان به [قلمرو] دولت عثمانی

مبحث اول: هجرت یهودیان از اسپانیا به امپراطوری عثمانی

مبحث دوم: یهودیان «دوئمه»

فصل دوم: فلسطین و دولت عثمانی

مبحث اول: تقسیمات اداری فلسطین

مبحث دوم: تلاش یهودیان برای اقامت در فلسطین

مطالعهٔ احوال یهودیان در انحاء مختلف جهان مبین این واقعیت است که آنان نتوانسته‌اند خود را با جوامع اصلی‌ای که در آنها زیسته‌اند تطبیق بدهند و در آنها ادغام شوند، بلکه آنان در طول تاریخ کوشیده‌اند با ایجاد توده‌ها و تشکلهای خود را از دیگران متمایز سازند، و همین امر موجبات انزوای آنان را فراهم ساخته است. آنان با الهام از برخی اعتقادات خود به چنین رفتاری مبادرت ورزیده‌اند، یهودیان می‌پندارند «ملت برگزیده خداوند هستند». اصرار آنان بر این اعتقاد واهی و نژادپرستانه منجر به ناهمزیستی و آمیزش نداشتن آنها با دیگر اقوام شده است. اما متأسفانه دوری آنان از جامعه، دیگران را از مشکلات و فتنه‌ها و آسیبهای آنان در امان نگه نداشته، بلکه به علت رفتارهای ناهنجار یهودیان، واکنشهای گسترده‌ای بر ضد آنان در جهان بروز کرده است.

فصل اول

مهاجرت یهودیان به قلمرو دولت عثمانی

با آغاز سال ۱۸۸۱ موجی از نفرت و انزجار نسبت به یهودیان سراسر اروپا را فراگرفت، و زندگی یهودیان را در جای جای این قاره با خطر و دشواری مواجه ساخت. پس از توطئه یهودیان در سال ۱۸۸۱ که به کشته شدن الکساندر دوم منجر شد، دامنه انزجار از یهودیان به روسیه تزاری نیز کشیده شد. مرگ الکساندر دوم موجب شد یهودیان در معرض تهدید و قتل عامهای گسترده در این کشور قرار گیرند و به دنبال آن، در سال ۱۸۸۲، قوانین متعددی در روسیه بر ضد یهودیان به تصویب رسید که براساس آن، محدودیتهای اقتصادی در مورد آنها اعمال شد. پس از حوادثی که در اتریش و مجارستان به وقوع پیوست گروهی از یهودیان این کشورها را به قصد هلند ترک کردند، اما هلند از پذیرش آنان خودداری نمود، و سرانجام یهودیان به ایالات متحده غربی عزیمت کردند^۱ اما ترور تزار روس تنها عامل طرد یهودیان از روسیه نبود، بلکه استفاده

1. Mandej Neville. " Ottoman Policy and Restrictions on Jewish Settlement in Palestine: 1881-1908", part Middle East Studies, vol. 10, no. 3, (October 1974), p. 312; Abba Eban. " My People, the Stories of the Jews". The United States of America, 1968. p. 321.

همچنین به مراجع زیر مراجعه کنید:

آلن تایلر. تاریخ جنبش صیونیستی: تحلیلی بر رفتارهای سیاسی صهیونیستها طی سالهای ۱۸۹۷-۱۹۴۷. ترجمه بسام ابوغزاله. بیروت، دار الطلیعه، ۱۹۶۶. صفحه ۱۱.

غیرمشروع تجار و سودجویان یهود از اوضاع اقتصادی روسیه موجب شد حکومت این کشور، در پرتو ارشادات و توصیه‌های اقتصاددانان روسیه، برای پیشگیری از فروپاشی اقتصاد ملی و زندگی اجتماعی روسها به این اقدام روی آورد.^۲

این حوادث منجر به مهاجرت گروه عظیمی از یهودیان به آمریکای شمالی شد، ضمن اینکه شمار اندکی از آنان نیز راهی فلسطین شدند. ویژگی این مهاجرت در مراحل نخستین آن، خودجوش بودن و سازمان‌نیافتگی آن بود. طولی نکشید که گروههای مهاجرت در سرتاسر روسیه تأسیس شدند تا بر عملیات مهاجرت یهودیان از روسیه به فلسطین و تدارک مایحتاج آنان نظارت کنند. و بدین ترتیب مسئله «مهاجرت» به رفتاری فراگیر در نزد یهودیان مبدل شد.^۳

۲. روابط اجتماعی روسیه و یهودیان، پس از جنگ این کشور با ژاپن در سال ۱۹۰۵، همواره بحرانی بوده است. به همین دلیل تبلیغات آشکار و گسترده‌ای از سوی صیونیستها بر ضد سیاست روسیه در آسیا به راه افتاد. در این خصوص مطالب زیر قابل تأمل است:

در اواخر قرن نوزدهم، یهودیان تلاش فراوانی برای نفوذ و تسلط بر بازارهای ژاپن انجام دادند: آنان در سال ۱۹۰۵ کمکهای مالی و نظامی قابل توجهی به ژاپن اعطا کردند. این کمکها یکی از علل شکست روسیه در مقابل ژاپن بود.

با همه اینها، ژاپن پس از پیروزی‌اش بر روسیه درهای این کشور را به روی یهودیان بست و آنان را از بازار ژاپن محروم ساخت.

در این میان، دستگاه دیپلماسی عثمانیان با درایت و زیرکی خاصی عمل نمود: عثمانیان در این دوره، با ایجاد موانع در برابر مهاجرت یهودیان در فلسطین، می‌کوشیدند سوءتفاهمات میان روسیه و دولت عثمانی را از میان بردارند.

برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به مراجع زیر مراجعه کنید:

Zureik Eliot. "The Palestinians in Israel: A Study in Internal Colonialism". London, 1979. P. 32;
Kochan Lionarei. "The Jews in Soviet Russia since 1917". 3th edition. London, 1978. PP. 20-24;
Freedman Robert. "World Politics and the Arab-Israeli Conflict". U.S.A. 1979.

و همچنین:

حسان علی حلاق. موضع دولت عثمانی در قبال جنبش صهیونیستی طی سالهای ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۹. بیروت، ۱۹۷۸. ص ۸۵

همچنین:

خطر صهیونیسم: پروتوکلهای سردمداران صهیونیسم. ترجمه محمد خلیفه التونسی. مصر، دارالکتاب العربی، ۱۹۶۱، ص ۷۵.

۳. جرین صبری. تاریخ صیونیسم (بخش اول سالهای ۱۸۶۲-۱۹۱۷). بیروت، مرکز پژوهشها و مطالعات

مهاجرت یهودیان از اسپانیا به امپراطوری عثمانی

در قرن شانزدهم، اروپا گرفتار موجی از نابسامانی و بی‌ثباتی سیاسی بود، آزادیهای دینی در آن به شدت سرکوب می‌شد و دگراندیشان در دادگاههای تفتیش عقاید محکوم می‌شوند. در این دوران، یهودیان نیز در اروپا و خصوصاً اسپانیا گرفتار سختیها و مشکلات فراوانی بودند.^۴

پادشاه اسپانیا و همسر وی، فردیناندو و ایزابلا که از سال ۱۴۹۲ زمام قدرت در این کشور را به دست گرفته بودند، هر دو از کاتولیکهای متعصب بودند و به دلیل خدعه و نیرنگ یهودیان نسبت به حضرت مسیح (ع)، دشمنی و کینه‌ای عمیق از آنان به دل داشتند. علاوه بر این، رفتار ناهنجار یهودیان در این کشور و ایجاد بحرانهای اقتصادی و تضعیف بانکها و ایجاد وقفه در کار آنها، بر خشم و نفرت پادشاه و ملکه از یهودیان می‌افزود.^۵ گذشته از اینها، خاخامهای یهود، در اقدامی زیرکانه، با سوءاستفاده از فلسفه یونان، این فلسفه را بخش تکامل یافته‌ای از شریعت یهود می‌خواندند. آنان با این اقدام، می‌کوشیدند احکام و مقررات تورات را تحت پوشش این فلسفه ترویج نمایند. اما گذشت زمان جای هیچ تردیدی نگذاشت که معارف یهودی - یونانی در بطن خویش همان یهودیت محض را تبلیغ می‌کند و یهودیان با توسل به این شیوه در پی تحقق اهداف خود بوده‌اند. چنانچه راهبی یهودی به نام «اوزیب» در کتاب خود مدعی شده است، افلاطون فیلسوف یونان که به زبان یونانی تکلم می‌کرد، بیشتر افکار خود را از موسی علیه‌السلام و عقاید یهودیت الهام گرفته است. و نیز فیلسوف یهودی دیگری مدعی شده است اندیشه‌های سقراط و افلاطون، با قوانین و احکام شریعت یهود کاملاً منطبق بوده است.^۶ با همه اینها، یهودیان نه تنها در این زمینه توفیقی به دست نیاوردند، بلکه مکافات آن نیز دامنگیر آنان شد.

خاخام بزرگ یهودیان درباره فلسفه یونان می‌گوید: «نقطه نظرات فلسفه یونان، عیناً مطابق با شریعت یهود است و ماهیت فلسفه‌ای که غرب را تسخیر نمود و توانست

→ سازمان آزادی‌بخش فلسطین، ۱۹۷۷. ص ۱۰۱.

و همچنین:

Robert Brym. " Jewish Intelligensia and Russian Marxism ". Britain, 1978. PP. 1-8.

4. Cevat Rifat Atithan. *Islam: Saran Tehlike Siyonizm ve Protokollar*. Cun Matbaasi, 1955. S. 130.

5. Ibid., ss. 130-131.

6. Ibid., s. 131.

جنبشهای ضد دینی و ملی و تاریخی را بسیج، و منشأ اغتشاشات در آن گردد، از شریعت تورات الهام گرفته است».^۷

زمانی که ملک فردیناندو پی به اهداف یودیان برد، کوشید آنان را به دین مسیحیت درآورد تا بدین وسیله از حرکت‌های تخریبی آنان بر ضد مسیحیت که در پوشش علم و فلسفه صورت می‌گرفت، پیشگیری نماید. در همین زمان پادشاه اقدام به طرد یهودیان از اسپانیا و پرتغال نمود.^۸ برخی از یهودیان در برابر فشارهای پادشاه تسلیم شدند و در ظاهر به دین مسیحیت گرویدند و گروهی نیز مهاجرت را برگزیدند.

اقدامات پادشاه فردیناندو در دوره‌ای صورت می‌گرفت که بایزید دوم زمام امور کشور عثمانی را به دست داشت. در این زمان گروهی از خاخامهای یهود در اروپا، طی درخواستی از بایزید، خواستار اجازه ورود به کشور عثمانی شدند و بایزید نیز بدون هیچ قید و شرطی خواست آنان را اجابت نمود.^۹

بایزید گروهی از این پناهندگان را به جزیره ساقز انتقال داد، و به آنها اجازه داد با آزادی تمام به زندگی خود ادامه دهند. پس از فتح جزیره رودس، در سال ۱۵۲۲ به دست سلطان سلیمان قانونی، یهودیان ساکن جزیره ساقز به رودس آمدند و توانستند امتیاز بهره‌برداری از معدن گوگرد اینجری را که در آن منطقه واقع شده است به دست آورند. بدین ترتیب، دوران بهره‌مندی و تمکّن مالی یهودیان، پس از روزگاری مدید، فرا رسید. پس از فتح بوداپست در سال ۱۵۲۵ و اشغال بودین در سال ۱۶۷۴ به دست سلمان قانونی و فرو ریختن درهای شوکریم و دخول پیروزمندانۀ سپاهیان ترک به مجارستان، عثمانیان از نزدیک زندگی رقتبار و دردمندانۀ یهودیان را در سرزمینهای فتح شده مشاهده کردند و به یاری و امداد یهودیان شتافتند. عثمانیان شمار قابل توجهی از

7. Ibid., ss. 131-132.

8. Ibid.

۹. در زمانی که یهودیان به دادگاههای تفتیش عقاید در اسپانیا سپرده می‌شدند گروهی از آنان با مراجعه به خیرالدین بارباروس خواستار رهایی خود از مظالم و کشتارگاههای اسپانیا شدند. او که ناوگان قدرتمندی را در دریای سفید مستقر نموده بود و بدین وسیله حاکمیت دولت عثمانی را بر آن دریا اعمال می‌نمود یهودیان را از ستم دولت اسپانیا رهایی داد و آنان را به ترکیه عثمانی انتقال داد و در مرزهای این کشور مستقر ساخت. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر به مراجع زیر مراجعه نمایید:

احمد راسم. تاریخ عثمانی. ج ۳، ص ۲۱۷؛ س. ناجی. فسادکنندگان زمین یا جنایات سیاسی و اجتماعی یهودیان در طول تاریخ. چاپخانه ارشاد، دمشق، ۱۹۶۵. صص ۳۱۱-۳۱۰.

و نیز:

Atithan, op.cit., pp. 131-132.

یهودیان را به شهرهای اصلی دولت عثمانی مانند: قسطنطنیه، آدرنه، ازمیر و سلانیسک انتقال دادند.^{۱۰}

آنان پس از ترک اسپانیا و دیگر مناطق اروپا و استقرار در شهرهای دولت عثمانی، از همان آغاز کوشیدند کلیه مراکز اقتصادی را که در دسترس آنان قرار داشت به تصرف خود درآورند^{۱۱} و پس از آن، هیمنه و تسلط خود را بر تمامی مراکز اقتصادی در دولت عثمانی گسترش دادند.^{۱۲} این در حالی است که یهودیان در آغاز، در محله‌های فقیرنشینی از قبیل نحلّه قوزنجق زندگی می‌کردند.^{۱۳}

پس از استقرار یهودیان در کشور عثمانی، احکام شریعت اسلام دربارهٔ آنان به اجرا درآمد و آنان در پرتو این احکام از خودمختاری و آزادی قابل توجهی برخوردار شدند. نظامی که عثمانیان یهودیان را ملزم به پذیرش و پیروی از آن نمودند از ویژگیهای زیر برخوردار گردید: خاخام‌باشی در آستانه استقرار یافت، وی نمایندهٔ تمامی یهودیان در برابر حکومت عثمانی به‌شمار می‌آمد و مسئولیت تعیین مالیات بر یهودیان را عهده‌دار بود. علاوه بر آن تأیید و تنفیذ مسئولیت نمایندگان محلی، که توسط یهودیان برگزیده می‌شدند، نیز به خاخام‌باشی محول گردید. قابل ذکر است که تنفیذ قدرت این نمایندگان تنها با فرمان سلطان میسر می‌گردید. یهودیان در هیئت دینی که رسماً در دولت عثمانی تشکیل می‌شد حضور داشتند. یهودیان عضو این هیئت را می‌توان در زمرهٔ کارمندان حکومت عثمانی به‌شمار آورد زیرا آنان با اشغال چنین پستهایی از اعضای شوراهای

۱۰. سلانیک بندری است که هم اینک در یونان قرار دارد. این بندر در دورهٔ حکومت سلطان مراد اول (سالهای ۱۳۲۶-۱۳۸۹) در قلمرو دولت عثمانی قرار داشت، این منطقه همواره مورد مناقشه طرفهای عثمانی و بیزانسی بوده است. سرانجام در سال ۱۴۳۰، عثمانیان توانستند تسلط بلامنازع خود را بر آن استوار سازند. این شهر تا زمان جنگ بالکان، در سیطرهٔ عثمانیان باقی ماند؛ پس از آن، دولت عثمانی آن را براساس معاهدهٔ بخارست به یونانیان واگذار نمود. در این خصوص به مراجع زیر مراجعه کنید:

یادداشت‌های سلطان عبدالحمید. ترجمه و تفسیر محمد حرب عبدالحمید، قاهره، ۱۹۷۸. ص ۱۳۵.

۱۱. یهودیان استانبول هم اینک در رفاه به سر می‌برند. آنان از تمکن مالی بسیاری برخوردارند زیرا بر تجارت خارجی ترکیه تسلط دارند. غالانته مرکز اقامت یهودیان در استانبول است و آنان در این منطقه از اموال منقول و غیرمنقول فراوانی برخوردارند. برای کسب اطلاعات بیشتر به روزنامهٔ زیر مراجعه نمایید:

12. Atithan, op.cit., pp. 132-133. Bugun, March 1, 1968.

۱۳. وضع معیشتی یهودیان در ترکیه امروز با زندگی آنان در زمان دولت عثمانی کاملاً متفاوت است آنان هم اینک در مناطق مرفهی همچون ایاس پاشا، بیک اوغلو، اتیه‌لو، و الجز زندگی می‌کنند. برای اطلاع بیشتر به منبع زیر مراجعه کنید:

Atithan, op.cit., pp. 132-133.

اداری ولایتهای مختلف دولت عثمانی به شمار می آمدند. علاوه بر آن مجلسی متشکل از علمای یهود برای اداره امور دینی و جاری یهودیان (سرپرستی داراییها، آموزش و مدیریت کنیسه ها، تشکیل می شد تا نمایندگان و رؤسا را در مسئولیت خویش یاری کنند. احکامی که در مسائل دینی (از قبیل ازدواج و طلاق، نفقه، حقوق مدنی و وصیت) از سوی دادگاههای مذهبی یهودیان صادر می شد توسط دستگاه اجرایی دولت عثمانی به اجرا درمی آمد.^{۱۴}

علاوه بر آن، کلیه پیروان مذاهب، از تشکیلات محلی در دولت عثمانی برخوردار بودند و به صورت خودگردان اداره می شدند. دولت عثمانی همچنین به پیروان ادیان اجازه داده بود علاوه بر ایفاء نقش در تمامی زمینه های اجرایی، اداری و اقتصادی، ترکیب اجتماعی و عادات و رسوم دینی خود را حفظ کنند.^{۱۵}

در این مدت شمار یهودیان، تنها در استانبول به بیست هزار تن بالغ می گردید و آنها با اتکاء بر این ترکیب جمعیتی، به شیوه های گوناگون می کوشیدند راه نفوذی به دربار سلطان پیدا کنند.^{۱۶} برخی از آنان در این راه توفیقاتی نیز به دست آوردند: چنانچه یک یهودی برای نخستین بار به عنوان یک پزشک به دربار و کاخ امپراطوری راه یافت.^{۱۷}

۱۴. یهودیان در سرتاسر سرزمینهای دولت عثمانی، خصوصاً در قلمرو شرقی آن، اقامت داشتند. معروف است که شمار قابل توجهی از آنان در شهرهای عربی همچون بغداد، حلب، دمشق و قاهره و یمن و... می زیسته اند. زمانی که این سرزمینها به دولت عثمانی ملحق شدند یهودیان مقیم این شهرها نیز به عنوان «اهل ذمه» به پیکره دولت عثمانی پیوستند. قدر مسلم این است که شمار یهودیانی که به این شیوه به تبعیت دولت عثمانی درآمدند بسیار بیشتر از آوارگانی بود که از اسپانیا و پرتغال به این سرزمین راه یافته بودند. موقعیت انسانی و ثبات حاکم بر کشورهای عربی موجب شده بود یهودیان فراوانی در این سرزمینها اقامت داشته باشند. در این مورد به مرجع زیر مراجعه کنید:

دکتر علی ابراهیم عبده و خیریه قاسمیه. یهودیان سرزمینهای عربی. بیروت، مرکز پژوهشهای سازمان آزادیبخش فلسطین، ۱۹۷۱. ص ۲۰.

۱۵. یهودیان ترکیه توجه وافری به رعایت اصول دینی خود دارند. آنان فرزندان خود را در مدارس دینی مختص خود تحت تعلیم و آموزش قرار می دهند. برای اطلاع بیشتر به مرجع زیر مراجعه کنید:

-- Bucun, op.cit.

-- Eban, op.cit., pp. 202-203.

و همچنین: مرجع قبل اثر علی ابراهیم، ص ۲۱.

۱۶. کارل بروکلمان. تاریخ ملل اسلامی. ترجمه بنیه امین فارس و منیر البعلبکی. بیروت، دارالعلم للملاییر، چاپ هفتم، ۱۹۷۷. ص ۴۸۹.

۱۷. وی مستر جکب [یعقوب] نام داشت و ایمانش به یهودیت را پنهان نگه می داشت. او توانست تحت نام

از میان راه‌یافتگان یهود به دربار عثمانی، ناان سلمون اشکنازی پزشک آلمانی‌الاصل، توانست بر محمد صوقللی تسلط کامل یابد. یهودی دیگری به نام «یوسف ناسی» موفق شد پس از مهاجرت از پرتغال به قسطنطنیه در سال ۱۵۵۰، با سلطان سلیم اول ارتباط نزدیکی برقرار کند. یوسف که ثروت سرشاری با خود به همراه آورده بود در دوره سلطان سلیم دوم نقش مهمی در امور اقتصادی دولت عثمانی ایفا نمود.^{۱۸}

از آنچه گذشت ملاحظات قابل تأمل است:

۱. یهودیان نتوانستند در جوامعی که در آن زیسته‌اند خود را استحاله کنند. و این امر به جدایی آنان از جوامع منجر شده است. آنان در مناطق معینی از قلمرو این حکومت زیسته‌اند. یهودیان به علت رفتار ناهنجارشان همواره منشأ اضطراب و فتنه در دولتهای متبوع خود بوده‌اند. این همان عاملی است که پیشتر موجب طرد آنان از کشورهای اروپایی شد.
۲. رفتار یهودیان پس از مهاجرت به سرزمینهای عثمانی، مشابه رفتار آنان با اروپاییان بوده است: آنان اقدام به قتل برخی از سلاطین عثمانی نمودند همان‌گونه که پیشتر «الکساندر» تزار روسیه را در سال ۱۸۸۱ به قتل رسانده بودند. در این میان تنها وجه تفاوت این وقایع آن بود که عثمانیان، برخلاف اروپاییان، به سیاست خشونت در برابر یهودیان متوسل نشدند.
۳. با مهاجرت یهودیان به سرزمینهای دولت عثمانی، تجارب مختلف دولتهای اروپا نیز از طریق آنان به سرزمینهای عثمانی انتقال یافت. این تجارب منشأ ایجاد اندیشه‌های سیاسی و فلسفی در قلمرو دولت عثمانی بوده اما با آداب و تقالید عثمانیان همخوانی نداشته است.
۴. بخشی از مسئولیت استقرار یهودیان در دولت عثمانی متوجه عثمانیان است. این بدان دلیل است که پادشاهان عثمانی ارزیابی خردمندانه‌ای از تهدیدات یهودیان در آینده به عمل نیاوردند، بلکه آنان با الهام از اسلام، یهودیان را از ستم اروپاییان رهانیدند.

→ «یعقوب پاشا» به عنوان پزشک به دربار سلطان محمد فاتح راه یابد. یهودیان موفق شدند یعقوب پاشا را قانع سازند در برابر دریافت یکصد هزار دوکا طلا نقشه مسموم کردن سلطان را به اجرا درآورد. پژوهشگران نقل کرده‌اند: سمی که سلطان با آن مسموم شد عاکور نام داشت و مانند آب، بی رنگ اما در عین حال بسیار مهلک بود. برای اطلاع بیشتر ر.ک: Atithan, op.cit., p. 69.

۱۸. مرجع قبل نوشته بروکلمان. ص ۴۹۰.

این بدان معنی است که پادشاهان عثمانی شناختی واقعی از شخصیت یهودیان و پیشینه آنان، که مملو از عهدشکنی و عقده‌های تاریخی بود، نداشتند.^{۱۹} پیامدهای رفتار اروپا با یهودیان، هم اینک دامنگیر اعراب شده است، زیرا در آن زمان کشورهای عربی جزو قلمرو دولت عثمانی بودند.

یهودیان دونه

یهودیان پس از ورود به سرزمینهای دولت عثمانی، به فعالیت گسترده‌ای، در همه زمینه‌های تجاری و صنعتی دست زدند آنان به سرعت خریداری و تصاحب محله‌هایی از سلانیک، از میر و حتی استانبول را آغاز کردند. یهودیان در این دوره از هیچ تلاشی برای دستیابی به آمال و اهداف خود فروگذاری نکردند^{۲۰} به گونه‌ای که حتی مجلس اعلای یهودیان اجازه داد پیروان دین یهود برای جلب توجه و اعتماد عثمانیان، تظاهر به اسلام کنند تا بدین ترتیب امکان نزدیکی و تأثیر در مراکز قدرت برای ایشان فراهم آید، و اهداف بلندمدت یهودیان تأمین شود. بر این اساس، برخی از بزرگان این قوم در ظاهر به اسلام گرویدند و برای خود نامهای اسلامی برگزیدند. از آن پس این یهودیان به یهودیان «دونه» شهرت یافتند.^{۲۱} بدین ترتیب آنان توانستند به صفوف ملت ترک بپیوندند، اما مخفیانه همچنان در پی تحقق اهداف قومی خود بودند.^{۲۲} یهودیان دونه، خود بر سه دسته‌اند: ۱. یعقوبیان ۲. قره‌قاشیان ۳. قبابانجیان

یهودیان دونه جملگی به دو زبان ترکی و اسپانیایی سخن می‌گویند، و هر یک از آنان دو نام برای خود برگزیده‌اند: نامی یهودی و یک نام اسلامی.

یهودیان دونه در ترکیه، مدارس ویژه و نیز مقبره‌های مخصوص به خود دارند.^{۲۳}

۱۹. شمار یهودیان ساکن ترکیه قبل از فتح استانبول در سال ۱۴۵۳، از ۵۰۰ تن تجاوز نمی‌نمود. مهاجرت یهودیان در گروههای بزرگ در قرن شانزدهم به وقوع پیوست. هم‌اکنون تعداد یهودیان در ترکیه قریب به ۴۵۹۹۵ تن می‌باشد. از این تعداد ۳۶۹۱۴ تن در استانبول ساکن هستند و شمار آنها در از میر بالغ بر ۵۳۸۳ تن است. باقیمانده یهودیان در شهرهای آنکارا، ادرنه، جناق قلعه، بورصه، غازی عنتاب و اسکندریه و مرسین پراکنده شده‌اند. برای اطلاع بیشتر به مرجع زیر مراجعه کنید:

Bucun, op.cit.

احمد راسم. تاریخ عثمانی. مرجع قبل، ص ۲۱۷. و نیز:

۲۰. «دونه» کلمه‌ای ترکی است و در زبان عربی به معنی «مرتد» است.

۲۱. س. ناجی. فسادکنندگان روی زمین. صص ۳۱۱-۳۱۲.

۲۲. کمال آتاتورک، پتی به قامت یک انسان. ترجمه عبدالله عبدالرحمن. بیروت، چاپ دوم، ۱۹۷۸. ص ۴۲۱ و

«ساباتای زفی»^{۲۳} که یک خاخام یهودی بود سرآمد یهودیان دونه است، او در قرن هفدهم مدعی شد که مسیح موعود است. در آن سالها شایعه‌ای با این مضمون منتشر شده بود که مسیح در سال ۱۶۴۸^{۲۴} ظهور خواهد کرد تا یهودیان را در صورت مسیحیت راهبری کند، و از فلسطین دامنه حکومت خود در عالم را گسترش دهد، و قدس را به پایتخت به اصطلاح «دولت» یهودیان مبدل سازد.^{۲۵}

دقیقاً در چنین اوضاعی ساباتای بیست و دومین سال از عمر خویش را سپری می‌نمود. او تصمیم گرفته بود که همان مسیح موعود باشد.^{۲۶} از این رو مطالعه متون دینی را آغاز نمود و به تفسیر آنها پرداخت. در سال ۱۶۶۳، ساباتای عازم مصر شد و با رافائیل دیدار نمود. وی توانست طی دیدارش با جوزف، او را با خود همگام سازد و برای جنبش خود از حمایت مالی او برخوردار شود. ساباتای پس از آن به زیارت قدس شتافت و سرانجام به ازمیر بازگشت. او در ازمیر با هیئتهایی یهودی از ادرنه، ازمیر و یونان و آلمان ملاقات نمود. در این ملاقات یهودیان او را به دریافت مدال «شاه شاهان» مفتخر ساختند. پس از آن، ساباتای جهان را به ۳۸ قسمت تقسیم نمود. و برای هر جزئی از آن پادشاهی منصوب کرد. و خود را سرآمد شاهان نامید و فلسطین را مرکز پادشاهی

→ نیز: محمد عرب عبدالحمید. یهودیان دونه همچنان حج می‌گذارند، روزه می‌گیرند و به مسجد می‌روند. بیروت، مجله عربی، ش ۲۵۵، ۱۹۸۰. ص ۴۶.

۲۳. ساباتای زفی در سال ۱۶۳۲ در ازمیر دیده به جهان گشود. پدر او مردخای زفی نام داشت. وی به امر تجارت در شهر ازمیر اشتغال داشته است. مردخای، پیشتر از موره، یکی از شهرهای یونان، به این شهر مهاجرت کرده بود و اصلیت او از یهودیان اسپانیا بود. مردخای در نزد ترکها در شهر ازمیر به «بازرس سیاه» معروف شده بود. او صاحب سه فرزند بود که سباتای فرزند کوچک او به‌شمار می‌آمد. ساباتای سرانجام توقیف و به آلمان تبعید شد و در سال ۱۶۷۶ در آنجا درگذشت. ر.ک به ارجاع شماره ۲۳ و نیز:

Richard F. Nyrop. *Turkey: A Country Study*. Washington, 1980; David Ben Curiop. *Israel: A Personal History*. New York, 1972. p. 15; Hikmet Tanyu. *Tarih Boyunca Yahudiler ve Turkler*. Birinci cilt, İkinci paski, 1979. ss. 160-162.

۲۴. شایان ذکر است که یهودیان به عیسی علیه‌السلام به عنوان مسیح اعتقادی ندارند، از همین رو آنان در انتظار مسیح نجات‌بخشی از میان یهودیان هستند (به اعتقاد آنان، نجات‌دهنده آنان مسیحی از یهودیان خواهد بود تا اقتدار و شوکت آنها را به ایشان بازگرداند و هیمنه آنان را در سرتاسر عالم بگستراند، چنانچه اعتقاد حاکم در میان یهودیان این است که مسیح منتظر آنان را در برپایی حکومتی بزرگ و جهان‌شمول یاری خواهد کرد. در آن هنگام، جهانیان به دین یهودیت خواهند پیوست. در این خصوص به مرجع زیر مراجعه کنید: مقاله «یهودیان دونه همچنان حج می‌گذارند و...»، مرجع قبل ص ۴۳.

۲۵. علی امام عطیه. مرجع قبل ص ۲۴۸ و همچنین: مقاله «یهودیان دونه همچنان...»، مرجع قبل ص ۴۴.

۲۶. محمد حرب عبدالحمید. «یهودیان دونه همچنان حج می‌گذارند و...». ص ۴۴.

خود اعلام نمود. ساباتای خود در این باره چنین می‌گوید:
 «من نواده سلیمان ابن داود^{۲۷} پادشاه بنی آدم هستم و، هم او قدس را ملک من ساخته است»^{۲۸}

در واقع، دولتمردان عثمانی آن‌گونه که شایسته بود اهمیت لازم را به جنبش ساباتای ندادند.^{۲۹} بی‌اعتنایی عثمانیان به این تحولات از عوامل زیر ناشی می‌شد:^{۳۰}
 ۱. تسامح دینی و آزادی عقیده و سوءاستفاده یهودیان از وجود استقلال در امور خود. سخنان افرام لیون سردبیر مجله سالوم مؤید این واقعیت است. او می‌گوید: «پادشاه در سال ۱۴۹۲ با آغوش باز از ما استقبال کرد و امیدواریم در پرتو این دموکراسی حقیقی از رفاه و آسایش برخوردار شویم».^{۳۱}

۲. غفلت دولت عثمانی از این وقایع به علت اشتغال آن دولت به جنگ جزیره کرت. ساباتای در پیشبرد اهدافش در این دوره توفیق عظیمی به دست آورد. نویسنده‌ای یهودی به نام افرام گالانتی در این باره می‌گوید: «ساباتای، یهودیان را با تمسک به شیوه خود از مصیبت‌ها و ستم‌ها رهانید»^{۳۲}

در این دوره، مدعی دیگری پا به میدان گذاشت. او که کوهین نام داشت ادعا نمود که همان مسیح موعود است. کوهین در شکوائیه‌ای که به دربار سلطان تقدیم کرد ساباتای را متهم به گردنکشی و تأسیس دولتی یهودی در فلسطین نمود.^{۳۳}

در پی شکایت او از ساباتای در نزد سلطان، فرمان توقیف ساباتای صادر شد و او از طریق دریا به پایتخت انتقال یافت.^{۳۴} سلطان با تشکیل هیئت تحقیقی - اجرایی، به ریاست معاون صدراعظم و مشارکت یک اسلام‌شناس و یک عالم برجسته، فرمان رسیدگی به اتهامات او را صادر نمود. سرانجام، علی‌رغم انکار ساباتای و ادعای برائت از اتهامات وارد، وی محکوم گردید و به بازداشتگاه «قابی» انتقال یافت و پس از آن به زندان «خباق

۲۷. مرجع قبل، ص ۴۴؛ علی امام عطیه، مرجع قبل، ص ۲۴۸.

۲۸. مرجع قبل، علی امام عطیه، ص ۲۴۸.

29. Bucun, op. cit.

۳۰. مرجع قبل، نوشته محمدعلی قطب، ص ۱۵.

31. Marvine Horwe, "Turkish Jews year Moslem Zead", International Herald, Wed, Sept. 3, 1980, p.

2.

32. Bucun, op. cit.

۳۳. محمد عرب عبدالحمید. «یهودیان دونه همچنان حج می‌گذارند و...». صص ۴۵-۴۴.

۳۴. مرجع قبل، نوشته محمدعلی قطب، ص ۱۵.

قلعه» فرستاده شد.^{۳۵}

پس از مدتی، دولت عثمانی ساباتای را به قصر «آدرنه» فراخواند تا در حکم وی تجدیدنظر نماید.^{۳۶} و سلطان محمد چهارم فرمان داد تا وی را به اسلام فراخوانند. ساباتای که خود را در میان مرگ و یا پذیرش اسلام مخیر می‌دید به اسلام گروید و نام «محمدعزیز افندی» را برای خود برگزید.^{۳۷} و در همان قصر مشغول به کار شد. پس از آنکه ساباتای اسلام پذیرفت بسیاری از پیروانش نیز به اسلام گرویدند.^{۳۸}

پس از مدتی ساباتای از دولتمردان عثمانی درخواست نمود به او اجازه داده شود یهودیان را به اسلام دعوت نماید. ساباتای فرصت را غنیمت شمرد و به میان یهودیان رفت و به دعوت از یهودیان ادامه داد و تأکید نمود که پیروانش باید در حالی تظاهر به اسلام می‌کنند ایمان به او را پنهان نگه دارند.

واقعیت این بود که ساباتای و پیروانش، در نهان، همچنان بر دین موسوی خود بودند و تنها تظاهر به اسلام می‌کردند. وی به پیروانش می‌گفت که او نیز همچون موسی (ع) ناگزیر است زمانی را در قصر فراعنه سپری کند.^{۳۹}

«یهودیان دونه» پس از پایان جنگ جهانی اول در انتقال تجربیات مؤسسات غربی نقش مهمی ایفا کردند. یکی از مسائل مهمی که با اصرار آنان در مجلس ملی ترکیه مطرح شد قطع رابطه میان ترکها و اعراب بود. علاوه بر این، برای تغییر زبان ترکی که با حروف عربی نوشته می‌شد تلاش بسیاری مبذول داشتند، با تمامی مظاهر عربی به مخالفت برخاستند و آشکارا بر ضد کشورهای عرب به فعالیت پرداختند. یهودیان چنین القا می‌کردند که ترکیه برای پیوستن به قافله تمدن و پیشرفت ناگزیر باید خود را از این عادات و رسوم و پیوندها برهاند، ترکیه قریب به پنج قرن بزرگ‌ترین حامی و پشتیبان اسلام بوده است، اما هم‌اکنون ضعف بر ترکیه مستولی شده است و دیگر قادر نیست به حمایت خود از اسلام ادامه دهد. در مقابل، اعراب مدافعان اسلام و حامیان آن به‌شمار می‌روند.

نباید از نظر دور داشت که برخی از رهبران جنبش غرب‌گرایی در ترکیه از یهودیان

۳۵. مرجع قبل، ص ۱۶.

۳۶. مرجع قبل، ص ۱۶.

37. Nyrop, op. cit., p. 87.

۳۸. مرجع قبل، محمدعلی قطب. ص ۲۲.

۳۹. علی امام عطیه. مرجع قبل، ص ۲۴۹.

دونمه بودند و رابطه‌ای تنگاتنگ میان آنان و سایر یهودیان وجود داشته است. آنان غالباً در تمامی صحنه‌ها حضور می‌یافتند چنانچه یهودیان دونمه به عضویت برخی از احزاب درآمده بودند. علاوه بر این، نفوذ فراوانی بر برخی از نشریات مهم ترکیه داشتند به گونه‌ای که به عنوان گروه فشار عمل می‌نمودند و بدین ترتیب نقش مؤثری در سیاست خارجی دولت ترکیه ایفا می‌کردند.

با آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در اواخر سالهای چهل و پس از تأسیس رژیم صیونیستی در سرزمینهای اشغالی، یهودیان دونمه در ترکیه، بر تلاش و فعالیت خود افزودند. تلاشهای آنان موجب شد تا رژیم ترکیه به سرعت دولت صیونیستی را به رسمیت شناسد به گونه‌ای که هر محقق با تحقیق در موضوع «شناسائی رژیم صهیونیستی توسط دولت ترکیه» نقش برجسته و تعیین‌کننده یهودیان دونمه اذعان می‌نماید. به بیانی دقیق‌تر، رابطه‌ای پویا میان شناسایی و اقرار به وجود رژیم صهیونیستی از سوی ترکیه و یهودیان دونمه در این کشور وجود دارد. به هر حال، ترکیه تنها کشور اسلامی بود که در آن برهه موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت. البته نباید فراموش کرد که ملت ترکیه در طول رویارویی اعراب و اسرائیل به دلیل گرایش آنان به فرهنگ اسلامی و پیوندشان با اسلام همواره جانب اعراب را نگه داشته‌اند.

در این خصوص، بر این نکته تأکید می‌کنیم که یهودیان دونمه عموماً و یهودیان ترکیه خصوصاً، بدون آنکه به عضویت احزاب درآیند، روابط تنگاتنگ و دوستانه‌ای با گروههای سیاسی ترکیه داشته‌اند. آنان با توسل به این شیوه کوشیده‌اند بر تصمیمات سیاسی و عملکرد احزاب و گروههای ترکیه تأثیر بگذارند. علاوه بر این، یهودیان با گماردن نمایندگان مجلس و شیوخ و کارمندان برجسته و باتجربه در مدیریت شرکتهای یهودی تلاش کرده‌اند بر نفوذ سیاسی خود بیافزایند. تلاشهای یهودیان موجب شد اهرمهای فشار متعددی را برای تحت تأثیر قرار دادن احزاب سیاسی و حتی دولتمردان ترک به دست آورند و با اتخاذ هر گونه تصمیمی بر ضد موجودیت صیونیستی ممانعت کنند.